

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ جولای ۲۰۲۰

## جدائی "جمعیت اسلامی" و "شورای نظار" رسمیت یافت!

جمعه - ۱۳ سرطان ۱۳۹۹ - کابل: حتماً از طریق رسانه ها مطلع شده اید، که "عطا نور" والی قبلی ولایت بلخ که رئیس اجرائی "جمعیت اسلامی" نیز بود، ضمن ترتیب یک کودتای درون حزبی، "صلاح الدین ربانی" را که بعد از مرگ پدرش جهت حفظ "جمعیت اسلامی" و جلوگیری از پراکندگی آن نهاد به رهبری جمعیت اسلامی گماشته شده بود، از موقفش برکنار و فرد دیگری را که چندان نام آشنا نیست، به حیث رهبر "جمعیت اسلامی" گمارده است. در یادداشت امروز توجه شما را به نکاتی در همین زمینه جلب می نمایم که رسانه ها توجه چندانی به آن ننموده اند.

۱- آنچه امروز به مثابه انشعاب و تجزیه "جمعیت اسلامی" از آن یاد می گردد، مسأله ای نیست که تازه آغاز یافته به گفته مردم "تفت نرسیده جوش آمده" باشد. بلکه ادامه رونديست که قبل از سقوط دولت دست نشانده روس، یعنی از زمانی که نخستین مقابله تسلیم طلبانه بین "احمدشاه مسعود" و روسها به امضاء رسید، پایه ها و ریشه آن در زمین "جمعیت اسلامی" کاشته شد.

همین ریشه ها بود که بعد تر خود را قویتر و گسترده تر ساخته، محصول آن ایجاد یک تشکیل اضافی در درون "جمعیت اسلامی" به "شورای نظار" بود. ایجاد "شورای نظار" در درون "جمعیت اسلامی" عملاً ایجاد یک تشکل در درون یک تشکل دیگر بوده، وقتی "احمدضیاء مسعود" به حیث نماینده "شورای نظار" به پاکستان فرستاده شد و نامبرده هم در آنجا زیر نام "دفتر جبهه پنجشیر" برای خود آرگاه و بارگاه ساخت و شروع کرد به ایجاد روابط مستقل با "آی . اس . آی" و از طریق آنها به سایر نهاد های استخباراتی کشور های عربی و غربی به خصوص تقویت روابط شان با استخبارات فرانسه، در عمل با دور زدن "برهان الدین ربانی"، "شورای نظار" و رهبر آن "احمدشاه مسعود" را به مثابه طرف اصلی مقاومت رسمی به جهانیان معرفی نمود.

"برهان الدین ربانی" که در «نرم بری»، "خپ جنگی" و "توطئه گری" استاد زمان خود بود، با ملاحظه برخورد های افراد مربوط به "شورای نظار" به خصوص پنجشیری ها متوجه شد که عدم انعطاف و درشت خوئی و به گفته مردم کابل "کش گرفتن" نه تنها نتیجه مثبتی بار نخواهد آورد بلکه امکان تجزیه "جمعیت اسلامی" و در نتیجه از میدان رقابت خارج شدن خودش را فزونی خواهد بخشید. از همین رو بسیار آگاهانه ضمن برداشتن چند گام به عقب، در سایر زمینه ها به تحکیم مواضع خود پرداخت. از جمله:

\* - به صورت رسمی موقعیت احمدشاه مسعود را به رسمیت شناخته، "جمعیت اسلامی" و "شورای نظار" را دونیم یک سیب اعلام داشت،

\* - جهت زدن یک تونل و ایجاد رخنه در مناسبات خانوادگی "احمدشاه مسعود" برادرش "احمد ضیاء مسعود" را که کلاً هم در میدان جنگ و هم در میدان سیاست، بیش از یک بونده بگیل از ارزش و اعتباری برخوردار نبود، مورد نوازش قرار داده با تزویج دخترش با وی، به اصطلاح پیوند خانوادگی بین فامیل های "مسعود" و "ربانی" به وجود آورد.

\* - به فشار "آی. اس. آی" تسلیم شده، حاضر شد روابط مستقل و خصوصی بین "دفتر جبهه پنجشیر" که آن زمان تحت ریاست دامادش "ضیاء مسعود" اداره می شد، را با دولت پاکستان به رسمیت شناخته و حتا ارسال سلاح و کمکهای پولی از پاکستان به روابط "شورای نظار" را بدون در نظر داشت خواست و اراده "جمعیت اسلامی" از سهمیه عمومی "جمعیت اسلامی" مورد تأیید و تکریم قرار دهد.

اما در مقابل این گامهای رو به عقب، چند نکته دیگر را نیز با تمام قدرت کوشید تا همزمان با انعطاف هایش روی دست بگیرد:

\* - تقویت بیدریغ اسماعیل خان هرات، حتا دادن اجازه پاکسازی افرادی در درون "جمعیت اسلامی" که تمایلاتی به "مسعود" و "شورای نظار" و سیاست های آنها داشت مانند، قومندان "صفی الله" و بقیه قومندانهای نزدیک و یا خوشبین به "مسعود"،

\* - در آغاز تقویت قومندان "ذبیح" ولایت بلخ و بعد از کشته شدن نامبرده، گرفتن زیر بغل "معلم عطا" و از یک بچه بیریش معلوم الحال یک قومندان علیه نفوذ شورای "نظار ساختن"،

\* - به رسمیت شناختن امریت "صوفی رسول" استالف، "انور دنگر" شکرده، "امان الله گذر" سرايخواجه و گذاشتن خربوزه مستقل بودن آنها از "شورای نظار" و کشیدن آنها به سمت رهبری "جمعیت اسلامی" با تشکیل امریت برای ولایت کابل و به تمسخر گرفتن پنجشیری ها.

\* - دادن اختیارات گسترده به تمام قومندانهای که مناسبات چندانی با "مسعود" و "شورای نظار" نداشتند در تمام افغانستان به خصوص در ولایات تخار و بدخشان.

با این تکنیک ها بود که "برهان الدین ربانی" موفق شد در آستانه و حین سقوط حاکمیت نوکران روس از انشعاب "جمعیت اسلامی" و تقابل "شورای نظار" و "جمعیت اسلامی" جلوگیری نموده برای مدتی خودش را در ارگ مستقر بسازد.

ادامه دارد